

روسیه و پرونده هسته‌ای ایران؛ رویکرد به گفت‌وگوها و ایفای نقش در به‌دست‌آوردن توافق^۱

ناصر هادیان

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

هادی زرگری*

دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۲/۲۰)

چکیده

فدراسیون روسیه همواره در میزان و تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران نقش مهمی داشته است. نقش این کشور با هیچ کشور دیگری مقایسه‌پذیر نیست؛ اما درباره نقش و رویکرد آن، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. از دلیل‌های اختلاف دیدگاه‌ها در این موضوع، به‌کارگرفتن رفتارهای متفاوت و دوجهی از سوی روسیه در مقابل ابعاد مختلف پرونده هسته‌ای ایران در دو دهه گذشته بوده است. این نوشتار با درنظر داشتن اهمیت نقش روسیه در پرونده هسته‌ای ایران در پی پاسخ به این پرسش است که چرا روسیه در برابر برنامه هسته‌ای ایران رویکردی دوجهی و دوگانه درپیش گرفته است؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مطرح می‌شود که گفتمان هویتی اوراسیاگرایی با ترسیم نقش‌هایی مانند «قدرت بزرگ جهانی»، «ابرقدرت منطقه‌ای» و «ابرقدرت هسته‌ای» سبب شده‌اند روسیه ضمن بهره‌برداری از مزایای همکاری هسته‌ای با ایران، تلاش کند مانع هسته‌ای شدن و به‌دنبال آن افزایش شدید قدرت ایران شود. همچنین با هدف جلوگیری از تضعیف شدید ایران، مخالف اقدام‌هایی مانند عملیات نظامی علیه این کشور شود. بدین شکل رویکرد دوجهی خود را دنبال کند؛ زیرا تبدیل ایران به قدرتی هسته‌ای، افزایش قدرت آن به‌عنوان رقیب منطقه‌ای برای روسیه را در پی دارد؛ همچنین هرگونه حمله نظامی علیه ایران و یا تضعیف شدید آن، این کشور را به پایگاهی برای گسترش نفوذ آمریکا در مرزهای جنوبی روسیه تبدیل می‌کند. هر کدام از این وضعیت‌ها در تعارض با نقش‌های اصلی سیاست خارجی روسیه قرار دارد. این نوشتار برای پیشبرد فرضیه خود از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه بهره برده است.

کلیدواژه‌ها

اوراسیاگرایی، ایران، برنامه هسته‌ای ایران، توافق هسته‌ای، روسیه، سیاست خارجی، گفت‌وگوهای هسته‌ای.

۱. این مقاله از رساله دکتری باعنوان «اوراسیاگرایی و سیاست خارجی روسیه در پرونده هسته‌ای ایران» استخراج شده است.

E-mail: zargari_hadi@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول

مقدمه

برنامه هسته‌ای و در پی آن، پرونده هسته‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عامل مهمی در شکل‌گیری، تداوم یا تغییر نوسان در روابط خارجی ایران با کشورهای دیگر و وضعیت سیاسی و اقتصادی کنونی جامعه بوده است. همچنین این مسئله نیز شایان توجه است که دیدگاه یکسانی به برنامه هسته‌ای ایران در حوزه‌های داخلی و خارجی وجود نداشته و رهیافت‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به ماهیت این مسئله مطرح شده است (Hadian, 2010: 357-367). فدراسیون روسیه یکی از این بازیگران است که به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم در این موضوع نقش‌آفرینی می‌کند. پس درک مناسب سیاست خارجی روسیه در برابر این موضوع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران تأثیرگذار و نقش‌آفرین در برنامه هسته‌ای ایران با توجه به وجود دیدگاه‌های متفاوت نسبت به آن و وقوع تغییرهایی در کنش‌های این کشور موضوعی ضروری است.

این پژوهش با درنظرداشتن اوراسیاگرایی به عنوان گفتمان هویتی غالب در روسیه در پی بررسی تأثیرگذاری ابعاد این گفتمان بر شکل‌گیری رفتارهای سیاست خارجی روسیه در برخورد با موضوع هسته‌ای ایران است. پرسش اصلی این نوشتار در این رابطه، بررسی دلیل‌های بروز رفتارهای دوجبه‌ی در سیاست خارجی روسیه در برابر برنامه هسته‌ای ایران است. در پاسخ به این پرسش و ضمن درنظرداشتن این مفروض که روسیه در موضوع هسته‌ای ایران منافع ملی خود را دنبال می‌کند و در طول دو دهه گذشته سیاست‌ها و رفتارهای متغیری را در سطح‌های فنی، اقتصادی و سیاسی ایران به‌کار گرفته کرده است، این فرضیه مطرح است که رویکرد اوراسیاگرایی با ترسیم نقش‌هایی مانند قدرت بزرگ جهانی، ابرقدرت هسته‌ای و ابرقدرت منطقه‌ای برای سیاست خارجی روسیه در درجه اول سبب تلاش مسکو برای نقش‌آفرینی مؤثر در موضوع هسته‌ای ایران به عنوان موضوعی جهانی شده است. در مرحله بعد در راستای ایفای دو نقش ابرقدرت هسته‌ای و منطقه‌ای به تلاش روس‌ها به‌طور یک‌جانبه یا در همکاری با غرب برای جلوگیری از هسته‌ای‌شدن ایران و در همان حال مخالفت با حمله نظامی به ایران و تضعیف شدید آن منجر شده است. در این پژوهش از روش گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی همراه با مصاحبه با کارشناسان روسی استفاده شده و پس از جمع‌آوری داده‌ها نیز از روش توصیفی-تحلیلی برای تجزیه و تحلیل آن‌ها بهره‌برداری شده است.

چارچوب نظری؛ سازه‌انگاری و تعامل هویت و نقش در سیاست خارجی

نظریه سازه‌انگاری از نظریه‌های مطرح در روابط بین‌الملل است که در تحلیل سیاست خارجی کشورها نیز کاربرد دارد. سه ویژگی اصلی نظریه سازه‌انگاری عبارت‌اند از تأکید بر اهمیت

ساختارهای هنجاری و معنایی در کنار عامل‌های مادی، توجه به نقش هویت در شکل دادن به کنش سیاسی و توجه به رابطه متقابل ساختار و کارگزار (Berchil and Others, 2012: 273). سازه‌انگاران به منظور اجتناب از تقلیل‌گرایی در تحلیل و فهم مسائل بر این ویژگی‌ها تأکید دارند. به ویژه با در نظر گرفتن عنصر هویتی توانسته‌اند مسائلی مانند علت‌های تغییر در سیاست خارجی کشورها در طول زمان را تبیین و تحلیل کنند. این رویکرد نظری برای تحلیل سیاست خارجی معتقد است که دولت‌ها همواره هویت منسجم و ثابتی ندارند و هویت آن‌ها در تأثیر مؤلفه‌های متعدد داخلی و خارجی در کنار ماهیت نوع نظام بین‌المللی متحول می‌شود. با توجه به این تأکید بر سیالیت هویت بازیگران دولتی، می‌توان گفت با تغییر عناصر هویتی دولت‌ها، ممکن است شاهد تغییرهایی در سیاست خارجی آن‌ها نیز باشیم؛ چرا که هویت دولت‌ها را الهام‌بخش چگونگی تعیین منافع ملی و در نهایت رفتار سیاست خارجی آن‌ها می‌دانند (Alexandrov, 2003: 36-39).

بر این اساس، استدلال سازه‌انگاران این است که چون هویت دولت‌ها الهام‌بخش منافع و در پی آن رفتار آن‌ها است، پس فهم چگونگی شکل‌گیری هویت این بازیگران و درک ابعاد مختلف هویت غالب در دستگاه سیاسی یک کشور ضروری است. همان‌گونه که الکساندر ونت معتقد است، «هویت‌ها بنیان منافع هستند»؛ پس برای تحلیل منافع یک کشور در راستای ارائه شناختی کلی از سیاست خارجی آن، توجه به نوع گفتمان هویتی غالب در نتیجه فرایند و عامل‌های مختلف تأثیرگذار حیاتی است. تغییرهای احتمالی در سیاست خارجی آن دولت و یا رفتارهای متناقض آن نیز با توجه به گفتمان‌های هویتی فهم‌پذیر خواهد بود (Moshirzadeh, 2007: 352-353).

با وجود شناسایی انواع مختلفی از هویت در نظر سازه‌انگاران از جمله هویت‌های نوعی، حقوقی، جمعی و نقشی، آنچه در این نوشتار بیشتر توجه می‌شود هویت نقشی بازیگران است؛ هر دولتی یک هویت نقشی دارد که نه تنها ذاتی نیست؛ بلکه در تعامل با بازیگران دیگر در سطح داخلی و بیرونی مطرح می‌شود. بدین شکل که در تأثیر نوع هویت یا گفتمان هویتی غالب، هر کشور نقش یا نقش‌هایی برای سیاست خارجی خود ترسیم می‌کند که برگرفته از مؤلفه‌های هویتی، به وضعیتی اشاره دارد که در آن قرار دارد یا در پی کسب آن وضعیت و نقش است. با تکیه بر این هویت نقشی است که می‌توان رابطه میان هویت ملی و منافع ملی و در پی آن رفتار سیاست خارجی را تحلیل کرد. به طوری که نوع گفتمان هویتی غالب نقش‌هایی برای سیاست خارجی یک بازیگر تعریف می‌کند و این نقش‌ها منافع، اولویت‌ها و سرانجام رفتار بازیگران را در مقابل دیگران تعیین می‌کنند (Shoja and Others, 2013: 19).

گفتمان‌های هویتی روسیه و نقش‌های سیاست خارجی آن

فهم سیاست خارجی روسیه بدون درک هویت مسلط بر دستگاه سیاسی این کشور امکان پذیر نیست و نوع گفتمان هویتی غالب در این کشور، منافع و رفتارهای آن را با تعریف نقش‌هایی ترسیم می‌کند. هویت دولت روسیه افزون بر تأثیرپذیری از مؤلفه‌هایی مانند تاریخ این کشور، وضع جغرافیایی، مذهب ارتدکس و یا قومیت غالب در آن، در تأثیر ساخت گروه‌های داخلی، روابط دولت و جامعه، ساختار جامعه بین‌الملل و تعامل دولت روسیه با دیگر بازیگران شکل گرفته و تغییر می‌کند (Hopf, 2005: 225-226). در نتیجه این مؤلفه‌ها و عامل‌ها، سه هویت یا گفتمان هویتی رقیب در روسیه پس از اتحاد شوروی شکل گرفت که هر یک در دوره خاصی به هویت غالب تبدیل شده‌اند و نقش‌ها و رفتارهای متفاوتی برای سیاست خارجی روسیه در نظر دارند.

در نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ به گفتمان هویتی «آتلانتیک‌گرایی» یا غرب‌گرایی در میان نخبگان سیاسی روسی توجه شد. از منظر این گفتمان روسیه هویتی اروپایی دارد و نقش روسیه به عنوان یکی از کانون‌های قدرت در مجموعه غرب تعیین می‌شود. در نتیجه، سیاست خارجی آن نیز هم‌سو با غرب و هویت اروپایی آن تعیین شد. اما در پی تحولات داخلی روسیه و نوع واکنش به دور از انتظار آمریکا و اروپا به رفتارهای همگرایانه روسیه، شاهد تغییرهایی در عملکرد سیاست خارجی این کشور و چرخش از گفتمان غرب‌گرایی به گفتمان هویتی «ملی‌گرایی» و «اوراسیاگرایی» در نیمه دهه ۱۹۹۰ بوده‌ایم. از دیدگاه اوراسیاگرایان گرایش گسترده به غرب در دوره پیش، نادیده گرفتن بخشی از منافع روسیه را به همراه داشته و ایجاد تعادل میان دو بعد وجودی روسیه (هویت اروپایی و آسیایی) ضروری است؛ بنابراین به گسترش روابط با کشورهای شرقی، چین، هند و خاورمیانه توجه شد (Laruelle, 2009: 15).

از نظر اوراسیاگرایان، روسیه از نظر هویتی قدرتی بزرگ با منافع دائمی و نه دوستان دائمی است و باید در جست‌وجوی جایگاهی مناسب به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی باشد. همچنین این قدرت بزرگ باید بر پیرامون خود نیز برتری داشته باشد. دیگر گفتمان هویتی در روسیه نوین ملی‌گرایی است که به اندازه دو گفتمان نخست برجسته نیست و از آن به اسلاوگرایی نیز یاد می‌شود (Torbakov, 1992: 13-14). روس‌ها با توجه به تاریخ چند قرن اخیر خود و نقش ابرقدرتی اتحاد شوروی در قرن بیستم، همواره خود را در جایگاه یک قدرت بزرگ جهانی تصور کرده‌اند. این برداشت با تسلط گفتمان هویتی اوراسیاگرایی نمایان‌تر شد. به این موضوع با انتشار سند «مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه»^۱ در سال ۱۹۹۳

به‌طور رسمی توجه شد. با تأکید دوباره بر چنین محورهایی در انتشار دوباره این سند در سال‌های اخیر، سند به چراغ راهنمای سیاست خارجی این کشور تبدیل شد (Karami, 2005: 197-219).

با توجه به ذخایر نفت و گاز گسترده روسیه، ولادیمیر پوتین نقش ابرقدرتی حوزه انرژی را نیز برای روسیه مدنظر دارد؛ چرا که روسیه بیشترین ذخایر گازی را دارد و با داشتن ذخایر گسترده نفت در جایگاه نخست دارندگان ذخایر انرژی قرار گرفته است (technology.com, 2013). پس متأثر از رویکرد اوراسیاگرایی، نقش‌های متصور برای سیاست خارجی روسیه را می‌توان ابرقدرت منطقه‌ای، ابرقدرت هسته‌ای، ابرقدرت انرژی و قدرت بزرگ جهانی معرفی کرد که با الزام‌هایی مانند جلوگیری از حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز، حضور فعال در بحران‌های این منطقه و نواحی حاشیه‌ای آن و نقش‌آفرینی در موضوع‌های بین‌المللی مانند بحران سوریه و پرونده هسته‌ای ایران همراه بوده است (Molaei and Zargari, 2016: 112-115).

تسلط اوراسیاگرایان به عنوان گفتمانی هویتی از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ در این کشور نقش‌آفرینی آن را به عملکرد اتحاد شوروی نزدیک کرده است. از آن زمان رهبران روسیه به‌عنوان بازیگر جایگزین اتحاد شوروی تلاش کرده‌اند تا خود را به‌عنوان قدرت بزرگ جهانی و البته ابرقدرت منطقه‌ای در حوزه نفوذ اتحاد شوروی مطرح کنند. بدین شکل که روسیه را به‌عنوان یکی از مراکز اصلی تصمیم‌گیری در محیط بین‌المللی مطرح کرده و خود را دارای حق انحصاری در به‌کارگیری قدرت در حوزه «خارج نزدیک» یعنی قلمروی جمهوری‌های بازمانده از اتحاد شوروی، معرفی کنند. بر اساس این نقش‌های تعریف شده، افزون بر منطقه خارج نزدیک، مسائل و تحول‌های نواحی حاشیه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز (مانند تحول‌های ایران و خاورمیانه) نیز برای روس‌ها اهمیت دارد (Karami, 2009: 62-67).

از آنجا که شکل‌گیری و یا تغییر مؤلفه‌های هویتی روسیه همانند دیگر بازیگران در تأثیر عامل‌های خارجی و نوع تعامل دیگر کشورها با آن نیز قرار دارد، سیاست خارجی روسیه در هزاره جدید نیز متأثر از سیاست‌های غرب دچار تحول‌هایی شده است. افزون بر تحول‌های دهه ۱۹۹۰ و همگرایی روسیه با غرب، وقوع تحول‌هایی مانند رویداد ۱۱ سپتامبر سبب شد تا روسیه تلاش کند خود را به‌عنوان یک «قدرت بزرگ هنجارمند»^۱ معرفی کند و در برخی موضوع‌ها مانند مبارزه با تروریسم همکاری مثبتی با غرب و جامعه بین‌الملل در پیش گیرد (Makarychev, 2008: 62). اما عامل‌هایی مانند یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و بحث گسترش دوباره ناتو به شرق سبب تغییرهایی در برداشت روسیه و در پی آن تغییرهایی در سیاست خارجی

این کشور شد. نتیجه‌های این تغییرها در حوزه‌هایی مانند انرژی و تلاش روسیه برای تبدیل شدن به ابرقدرت انرژی، سیاست خاورمیانه‌ای فعالانه، گسترش فروش تسلیحات و مخالفت جدی با سپر دفاع موشکی و گسترش ناتو به شرق هم زمان با افزایش نقش آفرینی مستقل در بحران‌های بین‌المللی به‌ویژه در سال‌های اخیر درک می‌شود (Koolae and Noori, 2010: 213-214).

رفتارهای سیاست خارجی روسیه در مقابل دو بحران اوکراین و سوریه نیز در راستای این نقش‌های تبیین پذیر است. هر چند در هر یک از این بحران‌ها تأثیرگذاری هر یک از این نقش‌ها برجسته تر است. برای نمونه در شرایطی که رفتارهای روسیه در بحران سوریه با تلاش رهبران این کشور برای حرکت به سوی ایفای نقش یک قدرت بزرگ جهانی توضیح پذیر است، رفتارهای روسیه در بحران اوکراین با انگیزه‌های آن برای حفظ جایگاه برتر خود در حوزه خارج نزدیک و نقش ابرقدرتی آن در منطقه اوراسیا فهمیده می‌شود. سیاست خارجی روس‌ها در برابر خاورمیانه و همچنین رویکرد آن‌ها به ایران نیز در راستای همین محورها به کار گرفته می‌شود. روسیه به رهبری پوتین تلاش دارد با نقش آفرینی خود مسائل و دگرگونی‌های خاورمیانه و موضوع‌های مرتبط با ایران را به جهتی هدایت کنند که در راستای منافع آن‌ها یعنی حفظ موقعیت و نقش روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی و ابرقدرت منطقه‌ای و هسته‌ای قرار داشته باشد.

سیاست خارجی روسیه در مقابل ایران

هر چند عنصر ژئوپلیتیک همواره عامل مهمی در شکل‌دهی به روابط روسیه و ایران بوده است؛ اما غالب شدن هر یک از رویکردهای هویتی در روسیه با پیامدهایی در روابط این کشور با ایران همراه شده است. در حالی که در گفتمان آتلانتیک‌گرایی ایران جایگاه مهمی در سیاست خارجی روسیه نداشت در دوره اوراسیاگرایان نوع نگاه به ایران تغییر کرد و با افزایش اهمیت ایران در سیاست خارجی این کشور، شاهد گسترش روابط روسیه با ایران بوده‌ایم (Koolae, 2006: 3). عامل‌های اصلی شکل‌دهنده به سیاست خارجی روسیه در قبال ایران افزون بر تأثیرگذاری مؤلفه‌های هویتی به مسائلی مانند عامل جغرافیا و برتری مسائل سیاسی و امنیتی نسبت به مسائل اقتصادی بر می‌گردد (Jafari and Mirjalali, 2010: 13-17). محور دیگر در شکل‌دهی به سیاست‌های روسیه درباره ایران دخالت و تأثیرگذاری عامل سوم یا قدرت‌های بزرگ دیگر است. این مسئله هم به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم و به واسطه تغییرهای هویتی در روسیه در جریان تعامل با غرب خود را نشان داده است (Белоглазов, 2016).

با به قدرت رسیدن پوتین و تقویت مواضع اوراسیاگرایان روابط روسیه و ایران افزایش یافت. در این دوره ضمن همکاری دو طرف در موضوع‌هایی مانند مقابله با نفوذ غرب در

منطقه، روسیه به افزایش همکاری در حوزه هسته‌ای با ایران متمایل شد. اما رویداد ۱۱ سپتامبر و تشدید نگرانی درباره خطر افراط‌گرایی در میان روس‌ها با پیامدهایی مانند همکاری روسیه با آمریکا و در نهایت نزدیکی نسبی این دو قدرت همراه شد. این موضوع بر روابط روسیه با ایران و روند همکاری‌های دو طرف تأثیرهای منفی گذاشت (Katz, 2002: 71-76). در یک دهه گذشته سیاست خارجی روسیه در قبال ایران را می‌توان تلاشی برای ایجاد تعادل میان دو وضعیت همکاری با ایران و تأمین نیازهای تسلیحاتی آن و همچنین همکاری با غرب در کنترل قدرت ایران و فشار بر آن توصیف کرد. در واقع، روس‌ها در پی ایجاد توازن میان این دو وضعیت بر آمده‌اند. به‌طوری که از یک سو ضمن همکاری با ایران با درخواست‌های آن برای تسلیحات پیشرفته و تکنولوژی نظامی مخالفت کرده‌اند و مانند مورد اس ۳۰۰ اگر تعهدی نیز در این رابطه به ایران داشته‌اند، آن را به‌شکل مطلوب اجرایی نکرده‌اند؛ از سوی دیگر و برخلاف فشارهای غرب خواستار حفظ روابط با ایران در حوزه‌های مختلف از جمله تداوم همکاری هسته‌ای بوده‌اند (Trenin, 2010: 21-22).

شایان توجه اینکه محدود نگه‌داشتن همکاری‌ها با ایران از سوی روسیه از برداشت نخبگان آن از ایران به‌عنوان رقیبی برای ایفای نقش‌های خود نیز متأثر بوده است. در واقع، روابط روسیه با ایران برخلاف تصور اولیه از وجود روابط نزدیک دو طرف پیچیدگی‌هایی دارد؛ زیرا روس‌ها در عین همکاری با ایران نگران ظهور آن به‌عنوان قدرت منطقه‌ای رقیب خود هستند و نسبت به افزایش قدرت ایران محتاطانه عمل می‌کنند. این موضوع به خوبی در دیدگاه دمیتری ترین^۱ محقق روس نمایان است. وی معتقد است: «دیدگاه مسکو این است که یک ایران پر قدرت می‌تواند روسیه را با تهدیدهایی روبه‌رو کند. ایران به‌عنوان دومین دارنده ذخایر گاز بعد از روسیه رقیبی بالقوه برای بازار انرژی روسیه است و یک ایران هسته‌ای نیز می‌تواند سلطه روس‌ها بر آسیای مرکزی و قفقاز را دچار مشکلاتی کند. با وجود نگرانی‌های نخبگان سیاسی روسیه درباره افزایش قدرت ایران، آن‌ها تمایلی به تضعیف ایران نیز ندارند؛ زیرا ایرانی ضعیف با پیامدهای امنیتی برای روسیه با بی‌ثباتی در منطقه همراه خواهد بود. به همین دلیل است که روسیه همواره مخالف هرگونه حمله یا عملیات نظامی علیه ایران است» (Trenin, 2010: 7-8).

در دو سال اخیر و با تشدید بحران در اوکراین و به‌ویژه سوریه، رویکرد مسکو به تهران پیچیده تر شده است؛ اما به‌طور کلی تحلیل رفتارهای روسیه در قبال ایران بر مبنای انگیزه‌های اقتصادی یا ژئواستراتژیک ناکافی است؛ چرا که رفتارهای سیاست خارجی روسیه در تأثیر نقش‌های ترسیم‌شده برای سیاست خارجی این کشور از جمله نقش‌های قدرت بزرگ جهانی،

ابرقدرت منطقه‌ای و ابرقدرت هسته‌ای قرار دارد. روسیه تلاش دارد تا سیاستی در قبال ایران و مسائل آن به کار گیرد که هم‌سو با ایفای چنین نقش‌هایی برای روسیه باشد (Omeliicheva, 2012: 341-342).

عملکرد و مواضع روسیه در روند برنامه هسته‌ای ایران

از آغاز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۹۹۰، به دلیل امتناع کشورهای اروپایی و غربی در همکاری هسته‌ای با ایران، مقام‌های وقت ایران برای پیشبرد برنامه هسته‌ای همکاری‌هایی را با روسیه آغاز کردند که بیشتر به ساخت نیروگاه اختصاص داشت. روسیه اولین توافق‌نامه ساخت نیروگاه اتمی و همکاری در عرصه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را در سال ۱۹۹۲ با ایران امضا کرد. به دنبال این همکاری، در سال ۱۹۹۵ نیز قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار بین دو کشور امضا شد (Karami, 2009: 147). علت به‌کارگرفتن چنین رویکردی از سوی روسیه و آغاز همکاری با ایران با وجود حاکم‌بودن گفتمان غرب‌گرایی در این کشور به نیاز اقتصادی آن در تأمین ارز برمی‌گردد. به‌دلیل اجرانشدن قرارداد سال ۱۹۹۵ در زمان تعیین‌شده و در ادامه روند همکاری‌ها، در نوامبر ۱۹۹۸ آدامف^۱ وزیر انرژی هسته‌ای وقت روسیه با سفر به ایران و بعد از دیدار از طرح بوشهر موافقت‌نامه همکاری تخصصی روسیه با ایران را امضا کرد. بنابر آن قرار شد طرح بوشهر تا سال ۲۰۰۳ تکمیل شود. بدین شکل زمینه پیوند روسیه با برنامه هسته‌ای ایران فراهم شد (Гришин, 2016).

در ابتدای مطرح شدن برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان اختلافی بین‌المللی، روسیه به‌طور مستقیم در جریان گفت‌وگوها قرار نداشت. در این مرحله گفت‌وگوها میان ایران و سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه برگزار می‌شد و موضوع نیز هنوز به شورای امنیت ارجاع داده نشده بود؛ روسیه نیز به شکل‌های مختلف تلاش داشت که نقش خود در این مسئله را افزایش دهد. در این دوران روس‌ها از یک سو ضمن اشاره به نظارت بین‌المللی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تأکید داشتند که فعالیت‌های هسته‌ای ایران و همچنین همکاری‌های روسیه با آن به حوزه‌های صلح‌آمیز محدود است؛ از سوی دیگر ضمن تأخیر در اجرای تعهدها در قبال ایران خود را شریک نگرانی غرب در برخورد با ایران و احتمال دستیابی آن به تسلیحات هسته‌ای معرفی می‌کردند؛ به‌گونه‌ای که روسیه ضمن تداوم همکاری با ایران با بخش اساسی از بیانیه‌ها یا قطعنامه‌ها علیه آن همراهی می‌کرد (Mojtahedzadeh and Rashidinezhad, 2011: 3).

بخش دیگری از عملکرد و سیاست روسیه در موضوع هسته‌ای به تلاش آن برای ورود مستقیم به گفت‌وگوها مرتبط است. با شکست گفت‌وگوهای ایران با سه کشور اروپایی و

1. Adamov

ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، زمینه ایفای نقش مستقیم روسیه فراهم شد. در این زمان آمریکا به تنهایی توان ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را نداشت و این مسئله با موافقت خاموش روسیه و دیگر کشورها همراه بود. علت همراهی روسیه با آمریکا در ارجاع پرونده به شورای امنیت نیز روشن بود؛ چرا که اولویت نخست روسیه افزایش نقش آفرینی در پرونده هسته‌ای ایران و گفت‌وگوهای مربوط به آن بود. تا این زمان روسیه جایگاه مستقیمی در گفت‌وگوها نداشت؛ اما ارجاع پرونده به شورای امنیت با توجه به عضویت دائمی روسیه در این شورا این فرصت را برای روس‌ها فراهم ساخت که ضمن حضور مستقیم در گفت‌وگوها با حرکت در طول نقش‌های مدنظر خود در عرصه جهانی و منطقه‌ای و بازیگری مؤثر مانع بروز تهدیدهای احتمالی علیه خود شوند (Pieper, 2014: 18).

رویکرد روسیه نسبت به پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت نیز بسیار مهم است. پس از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت انتظار می‌رفت که روسیه به همراه چین در برابر هدف‌های آمریکا مقاومت کند و مانع صدور قطعنامه‌های احتمالی علیه ایران شوند؛ اما این مسئله به دلیل‌هایی که به آن اشاره خواهد شد صورت نگرفت و روسیه تلاش داشت تمایزی میان همکاری‌های تکنولوژیک خود با ایران و ابعاد دیگر (مورد اتهام) فعالیت‌های هسته‌ای ایران قائل شود (Pieper, 2014: 31).

هم‌زمان با برگزاری چندین دور گفت‌وگوهای هسته‌ای در استانبول، بغداد، مسکو و آلمانی و قبل از آغاز دور جدید گفت‌وگوها پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی در ایران، روسیه طرح‌هایی به منظور حل اختلاف‌های هسته‌ای ارائه کرد که رویکرد واقعی مسکو را بازگو می‌کند. مسکو در این طرح‌ها پیشنهاد داد با فراهم کردن زمینه انتقال اورانیوم غنی‌سازی شده ایران به روسیه، راهکاری برای رفع بی‌اعتمادی غرب به ایران ارائه کند. این طرح‌های روسیه که در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ مطرح شدند، به دلیل‌هایی مانند بی‌اعتمادی به دیگر کشورها و وابسته کردن فعالیت‌های ایران از سوی تهران پذیرفته شد. این موضوع با پیامدهایی در مواضع روسیه، مانند همراهی آن با تصویب تحریم‌های بیشتر علیه ایران همراه شد (El-Baradei, 2012: 137).

روسیه در دو سال پایانی منجر به توافق هسته‌ای و در دور جدید گفت‌وگوها هرچند هدف‌های چندگانه‌ای را دنبال می‌کرد و از نظر برخی در پی کارشکنی در گفت‌وگوها بود؛ اما در راستای منافع خود با به‌کارگرفتن برخی مواضع، بر روند گفت‌وگوها تأثیر مثبت داشت و قدرت چانه‌زنی ایران در گفت‌وگوها را تقویت کرد. روسیه در میانه نوامبر ۲۰۱۴ و در آستانه ضرب‌الاجل بیست و چهارم نوامبر برای گفت‌وگوها از توافق با ایران برای ساخت دو راکتور جدید در نیروگاه اتمی بوشهر و گزینه شش راکتور دیگر خبر داد. این موضوع قدرت چانه‌زنی

ایران در مباحث فنی گفت و گوها را تقویت کرد. روسیه همچنین در نیمه آوریل ۲۰۱۵ از لغو ممنوعیت فروش موشک‌های دفاعی زمین به هوای اس ۳۰۰ به ایران خبر داد. این حرکت دیرتر از زمان تعیین شده صورت گرفت و نتوانست جلوی چارچوب تفاهم امضاشده در ۲ آوریل میان ایران و گروه ۱+۵ را بگیرد؛ اما سبب شد ایران موضع محکم تری در آغاز گفت و گوهای وین درباره برنامه جامع اقدام مشترک بگیرد. همچنین، روسیه در اوایل ژوئن ۲۰۱۵ و پیش از گفت و گوهای نهایی بار دیگر اعلام کرد که توافق تبادل نفتی با ایران را پیش خواهد برد و در طول یک هفته به مرحله بهره‌برداری خواهد رساند (Baev, 2015). چنین موضعی در روند گفت و گوها هر چند از سوی برخی محافل به‌عنوان آخرین تلاش‌های مسکو برای تعلیق در به‌دست آوردن توافق و یا کارشکنی در گفت و گوها تفسیر شد؛ اما در تقویت مواضع ایران در رابطه با مسائلی مانند کیفیت رفع تحریم‌ها و کاهش فشارها تأثیرهای مثبتی داشت.

سازوکارهای کنش روسیه در اجرای سیاست دوجبهی به برنامه هسته‌ای ایران

با توجه به آنچه در رابطه با سیاست خارجی روسیه و مواضع و عملکرد آن در برابر برنامه هسته‌ای ایران و گفت و گوهای مرتبط با آن بیان شد، رویکرد و نگاه روسیه به برنامه هسته‌ای ایران را با در نظر داشتن این سازوکارها می‌توان تبیین کرد:

الف) آیین هسته‌ای روسیه و برنامه هسته‌ای ایران: روسیه به‌عنوان یک ابرقدرت هسته‌ای و همانند دیگر کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای مخالف دستیابی بازیگران دیگر به این نوع تسلیحات است. این مسئله در میان اوراسیاگرایان و با تکیه بر نقش ابرقدرت هسته‌ای به میزان بیشتری در سیاست خارجی روسیه توجه شده است (The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation, 2010). با وجود روشننگری جمهوری اسلامی ایران نسبت به هدف‌های صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود، این مسئله عامل مهمی در شکل‌گیری الگوی سیاست خارجی روسیه در مقابل برنامه هسته‌ای ایران خطوط قرمز امنیتی مسکو است. روسیه به‌عنوان ابرقدرتی هسته‌ای همواره نسبت به تغییر موازنه هسته‌ای حساس بوده است و این حساسیت را در حفظ موازنه هسته‌ای در مرزهای جنوبی خود و نیز حفظ برتری هسته‌ای در منطقه به شدت دنبال می‌کند. علت اصلی تأکید این کشور بر لزوم تداوم نظارت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیتهای ایران در مراحل مختلف گفت و گوها را در همین راستا می‌توان تحلیل کرد (Ilin and Berger, 2015).

ب) افزایش احتمالی توانمندی ایران و نقش ابرقدرتی روسیه در منطقه: رهبران روسیه که در تأثیر هویت اوراسیاگرایی خود را ابرقدرت مسلط در اوراسیا می‌دانند، این نگرانی را دارند که در صورت افزایش توانمندی‌های ایران در صورت پیشرفت‌های گسترده در برنامه

هسته‌ای و یا دسترسی احتمالی به تسلیحات هسته‌ای، ایران ظرفیت ظهور به‌عنوان یک رقیب برای روسیه در سطح منطقه را خواهد داشت. پس اولویت‌های روسیه هم در روابط دوجانبه و هم در گفت‌وگوها، جلوگیری از افزایش قدرت ایران و حفظ برتری روسیه در منطقه به‌عنوان ابرقدرت هسته‌ای و ابرقدرت منطقه‌ای است. در همین زمینه، روسیه در مراحل مختلف گفت‌وگوهای هسته‌ای و همچنین در روند تدوین توافق نهایی هسته‌ای بر ضرورت بازرسی‌های گسترده از تأسیسات ایران تأکید داشته است. این رویکرد تنها محدود به مسئله هسته‌ای نیست و مسکو نگران هرگونه افزایش شایان توجه قدرت ایران در حوزه‌های انرژی و نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز نیز هست (Katz, 2015).

ج) پیشگیری از حمله نظامی به ایران: یکی از هدف‌های اصلی روسیه در گفت‌وگوهای هسته‌ای جلوگیری از وقوع هرگونه حمله نظامی احتمالی آمریکا به ایران و سقوط نظام کنونی حاکم بر آن است. به همین دلیل روس‌ها در همه مراحل گفت‌وگوهای هسته‌ای و حتی در شرایط همراهی کامل با به‌کارگرفتن تحریم، ضمن مخالفت با اقدام نظامی بر راهکارهای دیپلماتیک تأکید داشته‌اند. می‌توان گفت وقوع هرگونه حمله احتمالی آمریکا علیه ایران کابوس پوتین است؛ زیرا این موضوع علاوه بر ایجاد بی‌ثباتی در مرزهای جنوبی روسیه و اختلال در ایفای نقش‌های مدنظر آن، آمریکا را از نقطه دیگری به مرزهای امنیتی روسیه نزدیک می‌کند و این موضوع سلطه روسیه در منطقه را با تهدیدهایی همراه خواهد کرد. افزون بر این، چنین رویکردی سبب تقویت یک‌جانبه‌گرایی و هژمونی آمریکا خواهد شد و در تقابل با اصول مندرج در اسناد سیاست خارجی روسیه قرار دارد (Schwartz, 2015: 1-2).

د) جلوگیری از نزدیکی ایران به غرب: روسیه در موضوع‌های مختلف مانند مقابله با استقرار سپر دفاع موشکی و به‌طور کلی مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا از همراهی و همکاری ایران استفاده کرده است. هر چند روسیه و ایران شریک‌های راهبردی نیستند؛ ولی روسیه تمایل نداشت ایران در نتیجه موفقیت گفت‌وگوهای هسته‌ای به اردوگاه غرب نزدیک شود؛ زیرا در این صورت آمریکا فرصت بیشتری برای نفوذ در مناطق حاشیه‌ای روسیه خواهد داشت و این موضوع ایفای نقش‌های مدنظر رهبران مسکو را با اختلال روبه‌رو خواهد کرد. این موضوع از دلیل‌های انگیزه جدی مسکو برای همکاری فنی با ایران، ورود به گفت‌وگوهای هسته‌ای و ایفای نقش جدی در روند گفت‌وگوها در یک دهه گذشته بوده است. نمود دیگر این محور در اقدام‌های مسکو برای افزایش تعاملات اقتصادی، فنی، سیاسی و امنیتی مشاهده می‌شود که ضمن نزدیکی به ایران و تأمین برخی نیازهای آن در راستای نگرانی از بهبود روابط ایران با رقبای روسیه، در پیشبرد منافع خود نیز می‌کوشد (Katz, 2015).

این سازوکارها نشان می‌دهد که مسکو راهبرد ایفای نقش فعال، چندجانبه‌گرایی و همراهی نسبی با فشارها علیه ایران و در همان حال، حفظ شرایط برگشت‌پذیری به گفت‌وگوها و اجتناب از راهکار نظامی را برگزیده است (Pourahmadi and Abbasi, 2012: 64-66). بنابراین ضمن تداوم همکاری هسته‌ای خود با ایران، با غرب در تصویب تحریم‌ها همراهی نسبی داشته است. در ارزیابی همراهی روسیه با تصویب تحریم‌ها علیه ایران به دلیل‌های مختلفی باید توجه داشت. یکی از این دلیل‌ها، رد طرح پیشنهادی روسیه از سوی ایران برای حل اختلاف‌های هسته‌ای در جریان گفت‌وگوهای سال ۲۰۱۱ است. علت دیگر مشارکت مسکو در تصویب تحریم‌ها به انگیزه روسیه در نشان دادن تصویر دیگری از خود در جامعه جهانی، به‌عنوان بازیگر هم‌سو با جامعه جهانی بر می‌گردد (Mousavian, 2012: 162-165). دلیل سوم و واقع‌بینانه‌تری نیز در این رابطه مطرح است. البته این عامل سوم ریشه در هدف‌ها و اصول سیاست خارجی روسیه دارد. روسیه با تصویب تحریم‌ها علیه ایران هدفی مانند متوقف‌ساختن پیشرفت‌های برنامه هسته‌ای ایران را دنبال می‌کرد؛ چرا که نگران تبدیل شدن ایران به قدرتی هسته‌ای و افزایش قدرت و توانمندی‌های ایران به‌عنوان همسایه جنوبی خود بود. البته باید اشاره داشت که مسکو در تأیید تحریم‌ها هدف‌های دیگر غرب مانند تضعیف نظام سیاسی ایران یا سقوط آن را به هیچ وجه پیگیری نکرده است؛ زیرا نسبت به پیامدهای منفی آن برای خود آگاه است (Pieper, 2014: 21).

روسیه و توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت در نگاه نخست وضعیت مطلوب برای روسیه تداوم اختلاف‌های ایران و غرب است تا این کشور به‌شکل بهتری بتواند به ایفای نقش‌های ترسیم‌شده خود در سطح جهانی و منطقه‌ای بپردازد؛ ولی شرایطی مانند نگرانی از اقدام یک‌جانبه آمریکا و مزایای رفع تحریم‌ها علیه ایران سبب شد تا روسیه با وجود همراهی اولیه در به‌کارگیری تحریم‌ها علیه ایران با آمریکا، در چند سال اخیر نیز نسبت به از سرگیری گفت‌وگوها مشتاق شود. البته روسیه همچنان تلاش دارد اولویت‌های آن مانند نظارت گسترده بر فعالیت‌های ایران در کنار رفع محدودیت‌های تجاری رعایت شود (Гришин, 2016).

با وجود اختلاف‌های روسیه با غرب و منفعت روسیه در تداوم تنش‌های ایران با آمریکا، روسیه در دوران کنونی تنش خود با آمریکا در اوکراین را به گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران که منافع مشترک داشت، تسری نداد و همچنین نقش مخربی در دور جدید گفت‌وگوهای هسته‌ای بازی نکرد. دو کشور روسیه و آمریکا سیاست خود را بر مبنای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جهت‌دهی کرده‌اند؛ بنابراین همکاری با واشنگتن برای دستیابی به این هدف، همچنان برای مسکو معنادار است. پس برای به‌دست‌آوردن این هدف، روسیه به پیشرفت

گفت‌وگوها متمایل شد. موضوع دیگر، ترمیم چهره روسیه در گفت‌وگوهای هسته‌ای است. همچنین باید توجه داشت که توان واقعی روسیه برای ایجاد مانع در مسیر توافق هسته‌ای گسترده نبود. رهبران کرملین از این موضوع آگاه بودند که اختلاف‌های زیادی میان ایران و آمریکا وجود دارد؛ ولی اگر دو طرف درباره موضوع هسته‌ای توافق کنند، روسیه برای جلوگیری از این توافق قدرت مانور زیادی ندارد (Molaei and Zargari, 2016: 114-115).

پیامدهای توافق هسته‌ای موضوع مهم‌تری برای مسکو بوده است. اگرچه این موضوع درست است که رسیدن به توافق نهایی و کاهش تحریم‌های غرب علیه ایران می‌تواند سبب افزایش رقابت ایران با روسیه درباره صادرات انرژی شود؛ این مسئله می‌تواند در همان حال به شرکت‌های روسی اجازه دهد در بخش نفت ایران سرمایه‌گذاری کنند. از سوی دیگر، ایرانی‌تر و ثروتمندتر می‌تواند راکتورهای هسته‌ای، تسلیحات و کالاهای بیشتری از روسیه بخرد که این مسئله می‌تواند ظرفیت اقتصادی روسیه برای ایفای نقش جهانی را گسترش دهد. در واقع، رفع تحریم‌ها و رفع موانع تجاری با ایران از انگیزه‌های قوی روسیه در زمان گفت‌وگوهای هسته‌ای بود که به تمایل آن برای به‌دست‌آوردن توافق منجر شد. افزون بر این، توافق هسته‌ای با کاستن از فشارها علیه ایران، زمینه را برای نقش فعالانه‌تر تهران در مبارزه با تروریسم در منطقه به‌عنوان یکی از اولویت‌های مسکو فراهم کرده و موجب نزدیکی بیشتر دو کشور شده است (Schwartz, 2015: 2-4).

نتیجه

برای فهم رفتارهای متغیر و رویکردهای دوجویی و مبهم روسیه در برابر پرونده هسته‌ای ایران، توجه به ابعاد مادی و هویتی شکل‌دهنده اصول کلان سیاست خارجی روسیه ضروری است. سیاست خارجی روسیه نیز در دو دهه اخیر با تأثیر ابعاد هویتی رویکرد اوراسیاگرایی، به سمت به‌دست‌آوردن نقش‌هایی مانند قدرت بزرگ جهانی، ابرقدرت منطقه‌ای، ابرقدرت هسته‌ای و همچنین ابرقدرت انرژی حرکت کرده است. بنابراین مسکو تلاش داشته است تا رفتارهای خود در مقابل ایران و مسائل آن را همانند دیگر موضوع‌های سیاست خارجی در راستای به‌دست‌آوردن و بازی کردن این نقش‌ها شکل دهد. در همین زمینه، مسکو با هدف‌هایی مانند حفظ جایگاه جهانی خود در برخی موضوع‌های تقابلی با غرب مانند نقش‌آفرینی در برخی بحران‌ها از همکاری با ایران بهره‌برداری کرده است. همچنین برای به‌دست‌آوردن انحصار هسته‌ای و حفظ سلطه منطقه‌ای خود با همکاری نکردن با ایران در فروش برخی تسلیحات یا پایبند نبودن در اجرای برخی تعهدها مانند تأخیر در اجرای تعهدهای هسته‌ای، مانع افزایش توانمندی‌ها و قدرت ایران به‌عنوان رقیبی منطقه‌ای شده است.

شایان توجه اینکه روسیه به دلیل‌هایی مانند نزدیکی جغرافیایی به ایران، عضویت در باشگاه کشورهای هسته‌ای و همکاری‌های فنی هسته‌ای با ایران به‌نوعی در برنامه هسته‌ای ایران ذی‌نفع است؛ پس به‌کارگرفتن برخی رفتارهای غیرسازنده از سوی آن به دلیل دنبال‌کردن منافع ملی خود پیش‌بینی‌پذیر است و آن را باید در چارچوب ایفای نقش‌های موردنظر رهبران کرملین تحلیل و ارزیابی کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت از آغاز اختلاف‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران، روسیه تحت تأثیر تلاش برای به‌دست‌آوردن نقش قدرت بزرگ جهانی خواهان نقش‌آفرینی مؤثر در این موضوع به‌عنوان اختلافی بین‌المللی بوده است؛ اما دو نقش دیگر موردنظر مسکو یعنی ابرقدرت هسته‌ای و ابرقدرت منطقه‌ای، چارچوب‌هایی را بر کیفیت نقش‌آفرینی روسیه و سازوکارهای کنش آن در برخورد با مسئله هسته‌ای ایران تحمیل کرده‌اند. بدین شکل که روس‌ها به شدت مخالف نظامی‌شدن برنامه هسته‌ای ایران هستند و نمی‌خواهند انحصار هسته‌ای آن‌ها در منطقه شکسته شود. همچنین مخالف هرگونه افزایش احتمالی قدرت ایران به‌عنوان رقیبی بالقوه در سطح منطقه بوده‌اند؛ زیرا این نگرانی را دارند که در صورت افزایش قدرت ایران و یا هسته‌ای شدن آن، ایفای دو نقش ابرقدرت هسته‌ای و منطقه‌ای از سوی مسکو با مشکل روبه‌رو شود؛ بنابراین با به‌کاربردن فشارهای مختلف علیه ایران در موضوع هسته‌ای مانند تحریم‌کردن در راستای جلوگیری از دسترسی به این هدف‌ها همراهی کرده‌اند.

دو نگرانی دیگر روس‌ها که سبب شکل‌دهی به رویکرد دوجبهی این کنشگر شد، احتمال آغاز جنگ علیه ایران و یا نزدیکی ایران به غرب بوده است. از آنجا که هر یک از این دو وضعیت نیز با پیامدهای منفی برای روسیه همراه است، پس برای اجتناب از این دو وضعیت نیز روش‌هایی مانند همراهی با به‌کاربردن تحریم در مقابل استفاده از گزینه نظامی و یا ایجاد شرایطی برای برگشت‌پذیری راهکار گفت‌وگو را در اولویت قرار داده‌اند. شایان توجه اینکه وضعیت مطلوب برای روسیه درباره برنامه هسته‌ای ایران در راستای ایفای نقش‌های مدنظر سیاست خارجی این کشور تداوم اختلاف‌های ایران و غرب است. اما تشدید این اختلاف‌ها و گزینه حمله نظامی به ایران و یا تضعیف شدید ایران نیز وضعیت مطلوب برای روسیه نیست. ضمن اینکه رفع تحریم‌ها نیز برای روسیه مزایایی خواهد داشت. بنابراین این کشور با حضور فعال در گفت‌وگوهای هسته‌ای همواره بر راهکار دیپلماسی برای حل مسئله هسته‌ای ایران تأکید داشته و البته با هدف جلوگیری از حرکت ایران به سوی تسلیحات هسته‌ای با وجود رد آشکار این موضوع از سوی ایران، همیشه ضرورت تداوم بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای ایران را محور مواضع خود قرار داده است. توافق‌هایی هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱ نیز از آنجا که محدودیت‌های جدی بر حرکت احتمالی ایران به سوی هسته‌ای شدن اعمال کرده و خطر حمله نظامی آمریکا را نیز رفع کرده‌است از سوی مسکو

استقبال شده است؛ به‌طوری که حتی آمادگی خود برای نقش‌آفرینی در اجرای توافق در همکاری‌های فنی با ایران را نشان داده است.

References

A) English

1. Alexandrov, Maxym, (2003), "The Concept of State Identity in International Relations", **Journal of International Development and Cooperation**, Vol. 10, No. 1, 2003, pp. 33-46.
2. Baev, Pavel K. (2015), "The China Factor in Russian Support for the Iran Deal", **Brookings**, Available at: <http://www.brookings.edu/blogs/order-from-chaos/posts/2015/07/21-china-russia-support-for-iran-deal-baev>, (Accessed on: 22/10/2016).
3. Berchil, Scott and Others (2012), **International Relations Theories**, Translated by Homeira Moshirzadeh and Ruhollah Talebi, Tehran: Mizan [in Persian].
4. El-Baradei, Mohamed (2012), **The Age of Deception: Nuclear Diplomacy in Treacherous Times**, New York: Bloomsburg Publishing Plc.
5. Hadian, Naser (2010), "Iran Nuclear Program; a Plurality of Views and Fields of Discourse", **Politics**, Vol. 40, No. 1, pp. 355-374 [in Persian].
6. Hopf, Ted (2005), "Identity, Legitimacy and Use of Military Force: Russia's Great Power Identity and Military Intervention in Abkhazia", **Review of International Studies**, Vol. 31, No. 1, pp. 225- 243.
7. Ilin, Alexey and Claire Berger (2015), "How does Russia Benefits from Iran's Deal?", **MUFTAH**, Available at: http://muftah.org/how-does-russia-benefit-from-the-iran-deal/#.Vn_SFrZ94rj, (Accessed on: 1/9/2016).
8. Jafari, Aliakbar and Roya Mirjalali (2010), "Character of Russia's Foreign Policy in Nuclear Cooperation with Iran", **Political Sciences**, Vol. 13, No. 51, pp. 155-180 [in Persian].
9. Karami, Jahangir (2005), **Russia's Foreign Policy Development; The Identity of the State and the Issue of West**, Tehran: Printing and Publishing Center of the Ministry of Foreign Affairs [in Persian].
10. Karami, Jahangir (2009), **I. R. of Iran and Russian Federation's Relations**, Tehran: Printing and Publishing Center of the Ministry of Foreign Affairs [in Persian].
11. Katz, Mark (2002), "Russian-Iranian Relation in Putin Era", **Demokratizatsiya**, George Washington University, pp. 69-81, Available at: www2.gwu.edu/ieresgwu/assets/docs/, (Accessed on: 27/12/2015).
12. Katz, Mark N. (2015), "Russian Anxieties about the Iranian Nuclear Accord", **Lobellog Foreign Policy**, Available at: <http://lobellog.com/russian-anxieties-about-the-iranian-nuclear-accord/>, (Accessed on: 4/10/2016).
13. Koolae, Elaheh (2006), "Iran and Russia's Relations; Continuity and Change", **Institute for Russian, Central Asian and the Caucasian Studies**, Vol. 1, No. 1, pp. 1-16 [in Persian].

14. Koolae, Elaheh and Alireza Noori (2010), "Putin Pragmatism and Change of Russia's Foreign Policy Approach", **Politics**, Vol. 40, No. 2, pp. 209-228 [in Persian].
15. Laruelle, Marlen (2009), **Russian Eurosionism, Imperator Ideology**, Translated by Seyed Jafar Seyedzadeh, Tehran: Abrar Moaser [in Persian].
16. Makarychev, Andrey S. (2008), "Politics, the State and De-Politicization; Putin's Project Reassessed", **Problems of Post-Communism**, Vol. 55, No. 5, pp. 62-71.
17. Mojtahedzadeh, Piroz and Ahmad Rashidinezhad (2011), "Geopolitical Analysis of Russia's Foreign Policy toward Iran Nuclear Program (2000- 2008)", **Geopolitics**, Vol. 7, No. 2, pp. 1-36 [in Persian].
18. Molaei, Yosef and Hadi Zargari (2016), "Russia and Security Council toward Iran Nuclear Issue", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 22, No. 94, pp. 103-134 [in Persian].
19. Moshirzadeh, Homeira (2007), **International Relations Theories**, Tehran: Samt [in Persian].
20. Mousavian, Hossein (2012), **Iranian Nuclear Crisis: a Memoir**, Washington D. C.: Carnegie Endowment for International Peace.
21. Omelicheva, Mariya (2012), "Russian Foreign Policy toward Iran: a Critical Geopolitics Perspective", **Journal of Balkan and Near Eastern Studies**, Vol. 14, No. 3, pp. 331-344.
22. Pieper, Moritz (2014), "Chinese, Russian, and Turkish Policies in the Iranian Nuclear Dossier: between Resistance to Hegemony and Hegemonic Accommodation", **Asian Journal of Peace Building**, Vol. 2, No. 1, pp. 17-36.
23. Pourahmadi, Hossein and Amir Abbasi Khoshkar (2012), "Bases of Russia's Foreign Policy Behavior toward Iran Nuclear Issue", **Political Sciences Bulletin**, Vol. 8, No. 1, pp. 39-77 [in Persian].
24. Schwartz, Paul N. (2015), "What the Iran Deal Means for Russia", **Center for Strategic and International Studies, Russian Defense and High Technology Project**, pp. 1-6, Available at: <https://www.csis.org>, (Accessed on: 14/9/2016).
25. Shoja, Morteza and Others (2013), **Russia's Foreign Policy in Caspian Sea in Eurasian Era**, Tehran: Strategic Defense Research Center [in Persian].
26. **The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation** (2010), "The Military Doctrine of the Russian Federation", Available at: http://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents, (Accessed on: 25/2/2010).
27. "The World's Biggest Natural Gas Reserves" (2013), Available at: <https://www.hydrocarbons-technology.com/features/feature-the-worlds-biggest-natural-gas-reserves/>, (Accessed on: 11/11/2018).
28. Torbakov, Igor (1992), "The 'Statists' and the Ideology of Russian Imperial Nationalism", **RFE/RL Research Paper 1**, No. 11, pp. 10-16.
29. Trenin, Dmitri (2010), **Iran: a View From Moscow**, Washington: Carnegie Endowment for International Peace.

B) Russian¹

30. Белоглазов, Альберт Владиславович (2016), “Интервью с Альбертом Белоглазовым”, преподавателем кафедры международных отношений и зарубежного регионоведения в Институте международных отношений, истории и востоковедия Казанского Федерального Университете, 22/06/2016.
31. Гришин, Яков Яковлевич (2016), “Интервью с Яковом Гришиным”, преподавателем кафедры международных отношений и зарубежного регионоведения в Институте международных отношений, истории и востоковедия Казанского Федерального Университете, 20/06/2016.



۱. دو منبع روسی مصاحبه‌هایی است که توسط هادی زرگری یکی از نویسندگان مقاله حاضر با آقایان آلبرت بلاگلایزوف و یاکوب گریشین از اساتید دانشگاه کازان انجام شده است.